



پیارے عورتوں

شرائط و

سلام

الحمد لله، تا کنون در روزهای دوشنبه، طی ۱۱۸ جلسه با ۸۲۰۰ اسلاید

به این عناوین پرداخته‌ایم:

- ۱- «**مهارت** در **زندگی**»: «**۱۶ جلسه**» از: ۱۳۹۲ تا: ۱۳۹۳
- ۲- چهار دوره «**فرایند زندگی**»: «**۴۰ جلسه**» از: ۱۳۹۴ تا: ۱۳۹۵
- ۳- «**زندگی** زیباتر چگونه؟»: «**۱۶ جلسه**» از: ۱۳۹۶ تا: ۱۳۹۷
- ۴- «**زندگی** از منظر سوره **الرحمن**»: «**۳۰ جلسه**» از: ۹۸ تا: ۱۳۹۹
- ۵- «**لوازم** و **اقتضائات ظهور**»: «**۱۶ جلسه**» از: ۹۹ تا: ۱۴۰۰



«پیشرانِ» زندگی چیست؟

جلسه اول – ۱۹ مهر ۱۴۰۰

« پاسخ » این پرسش مهم،

در گرو کشفِ « معنای زندگی »،

و فهمِ « وضعِ موجود » ماست،

که ابتدا باید به آنها بپردازیم.

یک «نکتہ» خیلی مهم:

تقریباً « **هیچ** » دانش‌آموز و دانشجوئی،

در زمانِ « **ورود** » به مدرسه و دانشگاه،

با اینکه غالباً « **آرزوی** » شغلِ خاصی دارند،

اما « **دغدغه‌ای** » نسبت به **آینده** ندارد.

در حالی که تقریباً «**اکثر**» آقایان طلبه،

از همان اوائلِ «**ورود**» به حوزه،

کم و بیش، «**دغدغه**» دارند،

و در خود احساسِ «**تعهد**» می کنند.

پرسش ۱:



به نظر شما « چرا »؟

پاسخ:



شاید به این خاطر که دانش‌آموز و دانشجو،

معمولاً دنبالِ « **کسبِ مدرک** » هستند،

اما اکثر « **طلاب** »،

با « **تعهدِ ایمانی** »، « **طالبِ علم** » اند.

چگونه می‌توان « متعهد » شد؟

از امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نقل شده است که فرمودند:

رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَعَدَّ لِنَفْسِهِ وَاسْتَعَدَّ لِرَفْسِهِ

وَعَلِمَ: مِنْ أَيْنَ؟ وَفِي أَيْنَ؟ وَإِلَى أَيْنَ؟

(صدر المتألهين در شرح اصول کافی در جلد ۱، ص ۵۷۱)

خدا رحمت کند آن را که بداند از کجاست، در کجاست، عازم کجاست،
تا خودش را برای سعادت جاودانه آماده کند و برای رفتنش مهیا شود.

پس لازمه دغدغه‌مندی «**متعهدانه**»،

که فرد را لایق «**رحمت الهی**» می‌کند،

اینست که انسان آنقدر بکوشد تا بفهمد:

«از **کجا** و در **کجا** و عازم **کجا**» است.

روزها فکر من اینست و همه شب سخنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟

به کجا می‌روم آخر ننمائی وطنم

مانده‌ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا

یا چه بود است مُراد وی از این ساختنم؟

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک

چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم

ای خوش آنروز که پرواز کنم تا بر دوست

به هوای سر کویش پر و بالی بزنم

(مولوی)

پرسش ۲:



زندگیِ ما از « کجا » است؟

پاسخ:



چون « فقط خداوند زنده » است:

هُوَ الْحَيُّ

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (غافر/۶۵)

پس زندگی ما، « جلوهٔ اراده و حیاتِ » اوست.

خصوصیتِ « حیاتِ الہی » چیست؟

« حیاتِ الہی »

« بروز و ظہورِ دائمی » است:

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (رحمن/۲۹)

هر که در آسمانها و زمین است از او می پرسد هر زمان او در کاری است.

نشانه « حیاتِ الهی »،

« نو شدن دائمی » است:

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (حجر/۱۶)

همانا زمامدار تو همان داناترین آفریننده بسیار فعال است.

« حیات »، « جریانی بدون توقف » است:

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (روم/۱۹)

زنده را از مُرده بیرون می‌آورد و مُرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند و اینگونه (برای محاسبه) بیرون آورده می‌شوید.

« **حيات** » يعنى: « **قبض** و **بسط** دائمي »:

إِنَّ رَبَّكَ **يَبْسُطُ** الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ **يَقْدِرُ** إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (إسراء/ ٣٠)

اللَّهُ **يَبْسُطُ** الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ **يَقْدِرُ** لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (عنكبوت/ ٦٢)

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ **يَبْسُطُ** الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ **يَقْدِرُ** إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (شورى/ ١٢)

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ اللَّهُ **يَقْبِضُ** وَ **يَبْصُطُ** وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (بقره/ ٢٤٥)

و مردم این « **قبض** و **بسط** حیات » را
باید « بینند » و باید « بدانند »:

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (روم/۳۷)

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (زمر/۵۲)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

(سبا/۳۶)

« **ثمره** » دانستنِ « **قبض** و **بسط** **حیات** چیست؟ »

اینکه هر « **إنفاقی** » فوراً « **جایگزین** » می‌شود:

قُلْ إِنْ رَبِّي **يَبْسُطُ** الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ **يَقْدِرُ** لَهُ

وَمَا **أَنْفَقْتُمْ** مِنْ شَيْءٍ **فَهُوَ** **يُخْلِفُهُ** وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (سبأ/۳۹)

بگو زمامدارم، روزی را برای هر یک از بندگانش لازم ببیند و گشاید و برایش تنگ می‌کند

و هر چه را انفاق کنید او بلافاصله جایگزین (؟؟؟) می‌کند زیرا او بهترین روزی دهندگان است.

مراحلِ تجلّی « حیاتِ الهی » در انسان؟

خداوند،

« **حیات** » و « **زندگی** » را

در « **دو مرحله** »

در « **انسان** »، « **جاری** » می‌سازد:

« **حیات** مقدماتی و مادّی و **بیرونی** »،

در « مرحلهٔ اول » در او « متجلی » می‌شود،

تا در « مرحله دوم »،

او « **لایقِ حیاتِ** جاودانه از « **درون** » شود.

پریشی ۳:



فرقِ «دُنیا» با «قُربی» چیست؟

پاسخ:



« دنیا »،

از « بیرون » به انسان « نزدیک » است،

اما « قریبی »،

از « درون » به انسان « نزدیک » است.

پس «الآن» ، «کجا» هستیم؟

الآن در مرحله « زندگی نزدیک » هستیم:

يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا، مَتَاعٌ

وَإِنَّ الْآخِرَةَ، هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (غافر/ ۳۹)

ای قوم من؛ این زندگی دنیا، کالائی (مادی و محدود و ناپایدار) است
و اما « آخرت »، قطعاً « سرای جاودانه » (و ابدی شما) است.

پرسش ۴:



« چرا خدا حیات » را در ما جاری می کند؟

برای اینکه هر لحظه « **آزمایش** »،

و برای زندگی جاودانه، « **آماده** » شویم:

إِنَّا **خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ** مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ **نَبْتَلِيهِ** (إنسان/۲)

الَّذِي **خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ** لِيَبْلُوَكُمْ (مُلْك/۲)

پرسش ۵:



« آزمایش » انسان چه ضرورتی دارد؟

پاسخ:



اول: « استعدادهای پنهان » انسان،

فقط با انواع « ابتلاء »، « شکوفا » می شوند.

لذا انواع « پریشاها و مسابقات مناسب »،

بهترین عامل « رشد » افراد هستند.

دوم: برای اینکه « شاکرین یا کافرین » معلوم شوند:

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ **نَبْتَلِيهِ** فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۲)

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا **شَاكِرًا** وَإِمَّا **كَفُورًا** (انسان/۳)

ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم لذا او را شنوا و بینا قرار

دادیم * ما راه را به او نشان دادیم تا « قدرشناس » باشد یا « ناسپاس ».

پرسش ۶:



فرقِ « شاکر » با « کافر » چیست؟

پاسخ:



« شاکر » آنست که با « نعمتِ بیرون »،

از « درون »، « حی قیوم » را می جوید.

اما « کافر » با « نعمتِ بیرون »،

« بازی » می کند و « خودخواه » می ماند.

سوم: برای اینکه « زیبا آفرینی » افراد معلوم شود:

لَيَنْلُوْكُمْ اَيْكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا (مُلک/۲)

لَيَنْلُوْكُمْ اَيْكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا ... (هود/۷)

... تا شما را بیازماید که کدامیک از شما نیکو کارترید ...

« **عمل** » مردم چند « **نوع** » است؟

۱- برخی از مردم (مثل بچه‌ها و برخی از بازنشسته‌ها) «**بیکار**» اند.

۲- برخی از مردم (مثل: کافرین، منافقین و فاسقین) «**بدکار**» اند.

۳- برخی از مردم (مثل: برده‌ها و کنیزان و چارپایان) «**پُرکار**» اند.

۴- برخی از مردم (مثل انبیاء و اولیاء و مؤمنین) «**نیکوکار**» اند.

ایشان، «**حُسن** شناس، **حُسن** گزین و **حُسن** آفرین» اند.

چهارم: برای روشن شدنِ

میزانِ « درک حضورِ » افراد بشر.

زیرا « بهترین زمان آزمایشِ انسانِ »،

در « **تنهایی** » و « **خلوت** » اوست:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛

لِيَبْلُوَنَكُمْ **اللَّهُ** بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ

لِيَعْلَمَ **اللَّهُ** مَن يَخَافُهُ **بِالْغَيْبِ**

فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (مائده/۹۴)

ای اهل ایمان؛ خدا شما را با چیزی از شکار و سلاحی که در اختیار شماست شما را می‌آزماید تا معلوم دارد چه فردی در « خلوت و نهان » از خداوند می‌ترسد پس هر که بعد از آن تجاوز کند، عذاب دردناکی دارد.

پرستی ۷:



فرقِ « خلوت » و « جلوت » چیست؟

مؤمن، چون « **حی قیوم** » را

از « **درون** » با « **تشهد** » خود می بیند،

لذا در هیچ شرائطی خود را « **تنها** » نمی بیند،

و « **افسرده** » و « **متخلف** » نمی شود.

اما « کافر »،

فقط « بیرون » را می بیند و « باور » دارد،

لذا اگر « ناظرِ » بیرونی را نبیند،

حتماً « افسرده » و « متخلف^۳ » می شود.

با عرض معذرت به خاطر قطع اینترنت

« **بقیه مطالب** »

إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى

در « **جلسه بعد** » تقدیم خواهد شد.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ